تصوير ابو عبدالرحمن الكردي

کتاب باران

21
بیست و یک راز موفقیت میلیونرهای خود ساخته





ین کتاب می‌خوانیم:

. فکرش را هم نکنید که شما هم می‌توانید
ی به تمام آرزوهایتان برسید و به همه
هایتان جامه عمل بپوشانید. برای این کار باید
ر آن را بیاموزید.

رایان تریسی

تریسی، برایان، ۱۹۴۴ ـ م Tracy, Brian
۲۱ [بیســت و یک] راز موفقیت میلیونرهای خودسـاخته / نویسنده برایان تریسی؛ مترجم محمد خیریان. ـ قم: عطش، ۱۳۹۰.
۸۰ ص. ISBN: 978 - 600 - 92220 - 8 - 1
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا
عنوان اصلی به انگلیسی: The 21 Absolutely Unbreakable Laws of Money
۱. موفقیت در کســب و کار. ۲. میلیونرها. ۳. موفقیت شغلی. ۴. برنامه‌ریزی. الف. خیریان، محمد، ـ مترجم. ب. عنوان.
HF ۵۳۸۶/ ۹ ب ۴ ت ۱۳۹۰. ۳۳۲ /۰۲۴۰۱

In The Name Of Allah
The Compassionate, The Merciful

به نام خداوند بخشاینده و مهربان



The 21 Absolutely Unbreakable Laws of Money

نویسنده: برایان تریسی
مترجم: محمد خیریان

انتشارات عطش

۲۱ راز
موفقیت میلیونرهای خودساخته

The 21 Absolutely Unbreakable Laws of Money

نویسنده: برایان تریسی / مترجم: محمد خیریان

طراح و صفحه‌آرا: مرتضی فتح‌اللهی / چاپ و صحافی: سیمای کوثر
نوبت چاپ: سوم ۱۳۹۰ / شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
قیمت: ۲۰۰۰ تومان

شابک: ۸ ـ ۱ ـ ۹۲۲۲۰ ـ ۶۰۰ ـ ۹۷۸
تمامی حقوق متعلق به روح اله گلستانی می‌باشد.

مراکز پخش:
کتاب باران ، تلفن : ۰۹۱۹۱۹۷۷۷۴۸ - ۷۸۳۹۰۸۱ - ۰۲۵۱
قم: خیابان ارم / پاساژ قدس/طبقه آخر/پلاک ۱۵۴
تلفن: ۴ ـ ۷۷۴۵۰۸۳ (۰۲۵۱) همراه: ۰۹۱۲۴۹۱۸۶۵۴



The 21 Absolutely Unbreakable Laws of Money

فهرست مطالب

سخن مترجم

برایان تریسی، نویسندهٔ کتاب، از مشهورترین افراد موفق جهان است که دانسته‌های خود را در قالب کتاب‌هایی عرضه کرده است، زیرا معتقد است که «راه رسیدن به موفقیت در هر کاری، آن است که بدانیم افراد موفق آن رشته چه کرده‌اند تا موفق شده‌اند.» پس مجموعهٔ پیش رو، حاصل تجربه‌های شخصی موفق در زمینه‌های مختلف است؛ از این رو مطالعه و به کار بستن آن‌ها به یقین بهره‌های فراوانی خواهد داشت.

تریسی در ابتدای جوانی، زندگی سخت و ناموفقی داشته است و به کارهای سخت یدی مشغول بوده، حتی گاه دست‌فروشی می‌کرده تا آنکه از خود می‌پرسد: «چگونه است که برخی زندگی‌شان بهتر از من است؟» در پی یافتن این پرسش، به جست و جوی افراد موفق می‌پردازد و راه موفقیتشان را می‌پرسد؛ پاسخ

هریک را به کار می‌گیرد و در مدت کوتاهی، به موفقیت‌های چشمگیری دست می‌یابد. خود می‌نویسد: «یک سال از شروع کارم که گذشت، یک فروشندهٔ درجه یک شدم. یک سال بعد از مدیر فروش بودن، معاون رئیس و ۹۵ عامل فروش در شش کشور شدم. آن زمان ۲۵ سالم بود. طی سال‌ها، در ۲۲ شغل گوناگون کار کرده‌ام؛ چندین شرکت را بنیان گذاشته‌ام؛ از یک دانشگاه معتبر در رشتهٔ تجارت فارغ‌التحصیل شده‌ام؛ مکالمهٔ فرانسه، آلمانی و اسپانیایی را آموخته‌ام و... در همهٔ این سال‌ها پی بردم که کلید همهٔ موفقیت‌های بزرگ، دستاوردهای کلان، احترام، مقام و موقعیت و خوشبختی در زندگی آن است که بتوانی روی مهم‌ترین کار و وظیفه‌ات تمرکز کنی و فقط بدانی، بیندیشی و آن را خوب انجام دهی و تا کاملاً تمام نشده است، دست برنداری».

روانشناسان، دانشمندان و افراد موفق بسیاری در سراسر جهان، پیوسته کوشیده‌اند تا راه‌های بهتر زیستن و موفقیت را به دیگران بیاموزند و در حقیقت، دستاوردهای ارزشمندی را که برای به دست آوردنش تلاش فراوان کرده‌اند، به مشتاقان آن عرصه، عرضه دارند. بسیاری از این بزرگان، از جمله برایان تریسی، در این کار موفق بوده‌اند و افراد فراوانی در سراسر جهان با به کار گیری تکنیک‌های آنان، به موفقیت دست یافته‌اند.

آری، برایان تریسی با رهنمودهای سادهٔ خود در قالب کتاب‌هایی کم‌حجم که خواندن آن فرصت زیادی از خواننده نمی‌گیرد، افراد بسیاری را به خواسته‌های دیرینه‌شان رسانده است، اما آیا رهنمودهای همهٔ این روانشناسان و افراد موفق، سخنان تازهٔ ساختهٔ ذهن خودشان است؟ اگر به راستی همهٔ این رهنمودها،

حاصل تراوش ذهن یک فرد یا حاصل تجربیات فردی بود، آیا قابل تعمیم به همهٔ انسان‌ها می‌بود و آیا افرادی در جوامع دیگر، با فرهنگ و دینی متفاوت، می‌توانستند از این رهنمودها بهره گیرند؟

در کتب دینی، اخلاقی و عرفانی ما مسلمانان، این رهنمودها گاه در قالب حدیث و گاه جمله‌ای عارفانه یا توصیه‌ای از یک عالم، با بیانی موجز و زبانی ساده و معجزه‌انگیز، دیده می‌شود. در قرآن نیز رهنمودهای ارزشمند فراوانی هست که عمل به آن انسان را به اوج موفقیت می‌رساند.

پس پیداست که همهٔ این رهنمودها که از زبان افراد موفق بیان می‌شود، ریشه در باورهای انسانی دارد. باورهایی که با فاصله گرفتن از خود و هویّت و دین خود، از آن‌ها دور شده‌ایم و این یادآوری‌ها تنها ما را به سوی حقیقت بازمی‌گرداند. حقیقتی که در قرآن و کتاب‌های دینی، اخلاقی و عرفانی بزرگان دین، به بهترین شیوه بیان شده است.

در پایان، یکی از تجربه‌های شخصی ارزشمند خود را که باعث تحول بسیار بزرگی در فکر و اندیشه‌ام شده است را به شما دوست عزیز تقدیم می‌کنم:

در سال ۱۳۸۶ یکی از دوستانم کتابی به نام *وجود خود را دریابیم* به من هدیه داد. این کتاب کوچک و کم حجم، شمارهٔ اول از مجموعهٔ بیست جلدی مهارت‌های زندگی[1] بود. برای من که کتاب‌های روانشناسی زیادی از نویسندگان غربی را ترجمه کرده

۱ـ واحد پژوهش انتشارات هنارس، وجود خود را دریابیم (از مجموعهٔ مهارت‌های زندگی)، (۰۲۵۱) ۷۷۴۵۰۸۳ـ۴، ۰۹۱۲۴۹۱۸۶۵۴

بودم، مطالعهٔ کتاب جالب و کاربردی به نظر رسید، اما باور نمی‌کردم که با اثری ارزشمند و متفاوت از سایر کتب غربی روبرو باشم. پس از مطالعهٔ کتاب، دریافتم که به راستی مطالبی با معانی بسیار بلند و در عین حال کوتاه و گویا، برگرفته از منابع اصلی تدوین و عرضه شده بود.

نکات کلیدی‌ای که در آن مجموعه به چشم می‌آمد، در بر دارندهٔ نیازهای فردی و اجتماعی افراد بود که می‌توان موضوعات اصلی آن را چنین بیان کرد: پیش‌گیری از اشتباهات رایجی که عموماً افراد با آن در ارتباطند، باور اینکه در اصول روانشناسی و زندگی برتر، در کتاب‌های پیشینیان بیان شده است، ایجاد اعتماد به نفس و خودباوری، آشنایی با برنامه‌ریزی برای رسیدن به موفقیت، چگونگی عبور از بحران، تنظیم معاشرت با دیگران و طراحی آینده‌ای ایده‌آل و...

اگرچه در کتاب حاضر سعی شده تا شما خوانندهٔ عزیز، مهارت‌های فردی خود را افزایش دهید، توصیه می‌کنم آنچه را من تجربه کرده‌ام، شما نیز تجربه نمایید.

پیشگفتار

آن‌چه در این کتاب خواهید آموخت، می‌توانند زندگی‌تان را متحول سازد. این ایده‌ها، ابتکارها و تدبیرها، سکوی پرش موفقیت مالی میلیون‌ها زن و مرد از طبقات مختلف جامعه بوده است. این اصول، ساده و اثربخش هستند و به کارگیری آن‌ها نسبتاً آسان است. هر یک از این اصول، براساس تحقیقات همه جانبه و مصاحبه با هزاران میلیونر خودساخته به دست آمده است. این اصول، بارها و بارها مورد آزمایش قرار گرفته و کارایی آن‌ها به اثبات رسیده است. اگر این اصول را پذیرفته، در زندگی خود به کار بگیرید، در مورد شما نیز جواب خواهند داد.

ما در بهترین دوره از تاریخ بشر زندگی می‌کنیم. تعداد افرادی که از صفر شروع می‌کنند و ثروتمند می‌شوند، هیچ‌گاه به این اندازه قابل تصور نبوده است. امروزه در آمریکا حدود هفت میلیون نفر میلیونر وجود دارد که بیشتر آن‌ها خودشان میلیونر شده‌اند و سالانه حدود پانزده تا بیست درصد، به تعداد این افراد افزوده می‌شود. ما

حتی کسانی را داریم که ده یا صد میلیون دلار دارایی دارند و ۲۵۰ «نفر» هستند که میلیاردرهای خودساخته‌اند. ما در هیچ دوره‌ای از تاریخ، شاهد رشد ثروت با این سرعت نبوده‌ایم.

مایهٔ دلگرمی است که تقریباً همه از صفر شروع می‌کنند. شاید ۹۹ درصد افرادی که اکنون از لحاظ مالی موفق هستند، در ابتدا کاملاً یا تقریباً بی‌پول بوده‌اند. هر میلیونر خودساخته، به طور متوسط ۳/۲ بار ورشکسته شده یا در آستانه ورشکستگی قرار گرفته است. اکثر آن‌ها بارها و بارها شکست خورده‌اند تا سرانجام، فرصت مناسبی به دست آورده‌اند و از این فرصت، به عنوان اهرمی برای رسیدن به موفقیت مالی استفاده کرده‌اند.

کاری که صدها هزار و میلیون‌ها نفر انجام داده‌اند، شما نیز می‌توانید انجام دهید.

قانون محکم در سرنوشت بشر، قانون «علت و معلول» است. این قانون در عین سادگی، بسیار قدرتمند است و می‌گوید: «هر علتی، معلول خاص خود را دارد و هر عملی، عکس‌العملی دارد». این قانون می‌گوید موفقیت یک اتفاق و تصادف نیست. موفقیت، انجام مکرر برخی از کارها (علت) است تا وقتی که شما را به نتیجه دلخواه‌تان (معلول) برساند.

خوب است بدانید که طبیعت بی‌طرف است؛ یعنی طبیعت، بازار، جامعه و اقتصاد ما اهمیتی نمی‌دهند که شما که هستید و چه کاره یا اهل کجایید؛ قانون‌شان فقط این است که اگر کارهایی را انجام دهید که افراد موفق دیگر انجام می‌دهند، شما نیز همان نتیجه‌هایی را به دست خواهید آورد که افراد موفق به آن رسیده‌اند.

در غیر این‌صورت، به نتیجه‌ای نخواهید رسید؛ بنابراین هنگامی که رازهای موفقیت میلیونرهای خودساخته را یاد گرفتید و در زندگی خود به کار بستید، نتیجه‌ها و پاداش‌هایی را تجربه خواهید کرد که بسیار فراتر از آن چیزی است که تاکنون به آن رسیده‌اید.

در این‌جا باید به نکته مهمی اشاره کنم: «**هیچ کس بهتر و باهوش‌تر از شما نیست**». اجازه بدهید تکرار کنم: هیچ کس بهتر و باهوش‌تر از شما نیست.

این فکرها را از ذهن‌تان بیرون کنید.

یکی از دلایل عمدهٔ خود کم‌بینی، تنبلی و عدم موفقیت مالی این اعتقاد است که افرادی که عملکردشان بهتر از شماست، از شما بهتر هستند، اما اصلاً این‌طور نیست. حقیقت این است که بیشتر میلیونرهای خودساخته، افرادی معمولی و با تحصیلات معمولی هستند که شغلی عادی دارند و در محله‌ای معمولی زندگی می‌کنند. آن‌ها خانه‌هایی معمولی دارند و ماشین‌های معمولی سوار می‌شوند، اما فهمیده‌اند افراد دیگری که از نظر مالی موفق هستند، چه کارهایی انجام می‌دهند و همان کارها را بارها و بارها انجام داده‌اند تا این‌که در نهایت به همان نتیجه‌ها رسیده‌اند. این کار نه معجزه است و نه یک اتفاق تصادفی.

اگر شما هم مانند میلیونرهای خودساخته فکر کنید و مانند آن‌ها عمل کنید، کم‌کم به همان نتیجه‌ها و پاداش‌هایی می‌رسید که میلیونرها رسیده‌اند و قانون علت و معلول، بدین شکل که گفته شد، در زندگی شما نیز عمل می‌کند.

۲۱ راز موفقیت برای میلیونرهای خودساخته وجود دارد که

تک‌تک این رازها برای رسیدن بـه اسـتقلال مـالی شـما ضـروری است. نبود هر یک از این عوامل، به تنهایی می‌تواند به فرصت‌های پیش روی شما برای رسیدن بـه سـلامتی، خوشـبختی و کامیـابی، لطمه بزند و حتی آن‌ها را از بین ببرد. مایهٔ امیدواری است که شـما می‌توانید هر یک از این اصول را با تمرین و تکرار مداوم یاد بگیرید تا این‌که همانند نفس کشیدن برای‌تان عادی شود؛ دقیقاً همان‌طور که دوچرخه‌سواری یا رانندگی را یاد گرفته‌ایـد، مـی‌توانیـد رازهـای موفقیت میلیونرهای خودساخته را نیز یاد بگیرید و در زنـدگی خـود به کار ببندید. به جز محـدودیتی کـه خودتـان بـرای خـود در نظـر می‌گیرید، هیچ محدودیت دیگری وجود نـدارد. پـس بیاییـد شـروع کنیم.

اولین راز موفقیت میلیونرهای خودساخته، ساده است:

۱

رؤیاهای بزرگی داشته باشید و به خودتان اجازهٔ رؤیاپردازی بدهید

در مورد نوع زندگی مورد علاقهٔ خود و مقدار پولی که دوست دارید به دست آورده، در حساب بانکی خود داشته باشید، به خودتان اجازهٔ خیال‌پردازی و تصور بدهید.

همهٔ مردان و زنان بزرگ، با رؤیایی در مورد چیزی فوق‌العاده و متفاوت از داشته‌های کنونی خود، کارشان را شروع می‌کنند. حتماً آن ترانه را به یاد دارید که می‌گوید: «بدون رؤیا نمی‌شه به هیچ رؤیایی رسید.» یک لحظه تصور کنید هیچ محدودیتی پیش

روی‌تان نیست و می‌توانید هر شغلی را که دوست دارید یا هر مقدار پولی را که می‌خواهید، داشته باشید و هر کاری را که مایل هستید، انجام دهید. فعلاً فرض کنید تمام وقت، پول، تحصیلات، تجربه، دوستان، رابطها و همهٔ منابع و چیزهای لازم را در اختیار دارید تا بتوانید به خواستهٔ واقعی خود در زندگی برسید. اگر توانایی شما کاملاً نامحدود بود، دوست داشتید چه نوعی از زندگی را برای خود و خانواده‌تان بسازید؟

تفکر «بازگشت از آینده» را به کار ببرید. این نوع از تفکر، روش قدرتمندی است که مردان و زنانی که عملکرد درخشانی در زمینه‌های مختلف دارند، از آن استفاده می‌کنند. این روش، تأثیر شگفت‌انگیزی بر نحوهٔ تفکر و عملکرد شما دارد.

نحوهٔ کار بدین صورت است که خودتان را در ذهن‌تان به پنج سال بعد می‌فرستید. تصور کنید که پنج سال گذشته و زندگی شما، از هر لحاظ کامل است. این زندگی چگونه به نظر می‌آید؟ چه کاری انجام می‌دهید؟ در کجا کار می‌کنید؟ چقدر پول به دست می‌آورید؟ چقدر در حساب بانکی خود پس‌انداز دارید؟ اگر زندگی‌تان از هر نظر کامل بود، چه سبکی از زندگی را برای خود انتخاب می‌کردید؟

تصویری از آیندهٔ بلندمدت را برای خود ایجاد

کنید. هراندازه بتوانید تصویر روشن‌تری از سلامتی، خوشبختی و کامیابی ایجاد کنید، به همان میزان سریع‌تر به سوی آن حرکت خواهید کرد و آن هم سریع‌تر به طرف شما حرکت خواهد کرد. وقتی تصویر ذهنی روشنی از هدف‌تان در زندگی ایجاد می‌کنید، برای رسیدن به آن، مثبت اندیش‌تر، باانگیزه‌تر و مصمم‌تر می‌شوید؛ خلاقیت ذاتی خود را به کار می‌اندازید و ایده‌های زیادی به ذهن‌تان می‌رسد که به تحقق تصویر ذهنی‌تان کمک می‌کنند.

شما همیشه تمایل دارید در جهت رؤیاها، تصورها و تصویرهای ذهنی غالب‌تان پیش بروید. این‌که به خودتان اجازه بدهید رؤیاهای بزرگ داشته باشید، در عمل، اعتماد به نفس‌تان را بالا می‌برد و باعث می‌شود خودتان را بیشتر دوست داشته، احترام بیشتری برای خود قائل شوید.

داشتن رؤیاهای بزرگ، باعث می‌شود تصویری که از خودتان در ذهن دارید، بهبود یابد و اعتماد به نفس‌تان بالا رود. رؤیاپردازی، عزت نفس‌تان را بالا می‌برد و باعث می‌شود احساس خوشبختی بیشتری داشته باشید. خاصیت هیجان‌انگیزی که رؤیاها و تصویرهای ذهنی از آینده دارند، این است که شما را تحریک می‌کنند بهتر از همیشه باشید و بهتر از همیشه عمل کنید.

این سؤال مهم را باید بارها و بارها از خود بپرسید و به آن پاسخ دهید: «اگر بدانید شکست نخواهید خورد، جرئت می‌کنید رؤیای چه چیزی را در سر بپرورانید»؟ اگر موفقیت‌تان در هر امری در زندگی

(کوچک باشد یا بزرگ، کوتاه مدت باشد یا بلندمدت) کاملاً تضمین می‌شد، چه چیزی را انتخاب می‌کردید؟ کدام خواستهٔ بزرگ است که اگر بدانید امکان شکست خوردتان وجود ندارد، جرئت می‌کنید رؤیایش را داشته باشید؟

هر چه هست، آن را یادداشت کنید و شروع کنید به تصور این‌که همین حالا به این هدف بزرگ رسیده‌اید؛ سپس به موقعیت کنونی خود نگاه کنید. برای رسیدن به جایی که می‌خواهید بروید، چه کاری باید انجام بدهید و چه گام‌هایی باید بردارید؟ چه چیزهایی را باید در زندگی‌تان تغییر دهید؟ چه کارهایی را باید شروع کنید و چه کارهایی را باید کنار بگذارید؟ با چه کسی باید باشید و با چه کسی نباید باشید؟ اگر زندگی‌تان از هر لحاظ کامل و بی‌نقص بود، چطور به نظر می‌آمد؟ اگر محدودیتی وجود نداشت، چه کاری را متفاوت از حالا انجام می‌دادید؟ برای انجام همان کار، همین امروز قدم اول را بردارید.

داشتن رؤیاهای بزرگ، نقطهٔ آغازی برای رسیدن به هدف استقلال مالی شماست. مهم‌ترین دلیل عدم موفقیت مالی مردم این است که هیچ‌گاه به ذهن‌شان خطور نمی‌کند که می‌توانند این کار را انجام دهند و هیچ‌گاه رؤیایی ندارند؛ در نتیجه هیچ‌گاه تلاش نمی‌کنند و هرگز شروع نمی‌کنند؛ از نظر مالی دور خودشان می‌چرخند و هر چه در می‌آورند و حتی کمی بیشتر از آن را خرج می‌کنند، اما وقتی شروع می‌کنید به داشتن رؤیاهای بزرگ در مورد موفقیت مالی، کم‌کم دیدتان نسبت به خود و زندگی‌تان تغییر

می‌کند و کم‌کم کارهای متفاوتی را انجام می‌دهید تا این‌که بالاخره همهٔ مسیر زندگی‌تان به سمت بهبود تغییر پیدا می‌کند.

داشتن رؤیاهای بزرگ، نقطهٔ آغاز موفقیت مالی و تبدیل شدن به یک میلیونر خودساخته است.

۲

مسیر روشنی برای حرکت خود تعیین کنید

در این مرحله، باید رؤیاهای‌تان را از حالت ذهنی خارج کرده، آن‌ها را به صورت هدف‌های روشن، مشخص و مکتوب درآورید. شاید بزرگ‌ترین کشف در تاریخ بشر این باشد: «شما همان چیزی می‌شوید که بیشتر اوقات به آن می‌اندیشید». دو عاملی که بیشتر از هر چیز دیگری تعیین‌کنندهٔ اتفاقات آینده در زندگی شما هستند، عبارتند از: چیزی که بیشتر وقت‌ها به آن فکر می‌کنید و نحوهٔ تفکر شما دربارهٔ آن.

انسان‌های موفق، بیشتر اوقات به هدف‌های‌شان فکر می‌کنند؛

در نتیجه پیوسته به سوی هدف‌های‌شان حرکت می‌کنند و هدف‌های‌شان هم به سوی آن‌ها حرکت می‌کنند. به هر چیزی که بیشتر فکر کنید، در زندگی‌تان رشد پیدا می‌کند و افزایش می‌یابد. اگر در مورد اهداف‌تان فکر کنید، حرف بزنید و تصور کنید، آمادگی این را پیدا می‌کنید که دستاوردهای بسیار بیشتری نسبت به فردی معمولی داشته باشید که بیشتر وقت‌ها در مورد نگرانی‌ها و مشکلاتش فکر می‌کند و حرف می‌زند.

اکنون نوبت شماست که این تمرین را انجام دهید. برگه‌ای بردارید و بالای آن، واژهٔ «هدف‌ها» را بنویسید و تاریخ امروز را درج کنید؛ سپس ده هدفی را که دوست دارید در دوازده ماه آینده به آن‌ها برسید، فهرست کنید. هدف‌های خود را به زمان حال بنویسید، گویا که یک سال گذشته و شما اکنون به هدف‌های‌تان رسیده‌اید. در ابتدای هر کدام از هدف‌های‌تان واژهٔ «من» را بیاورید تا آن هدف برای شخصِ شما باشد؛ مثلاً بنویسید: «من... پول در می‌آورم»، «من... دارم»، «من ماشینِ... سوار می‌شوم»، «من... کیلوگرم وزن دارم» و تا آخر.

با ایجاد فهرستی از ده هدف‌تان برای سال آینده، خود را وارد گروهی از بزرگسالان جامعه کرده‌اید که سه درصد برتر را تشکیل می‌دهند. واقعیت ناراحت کننده این است که ۹۷ درصد از بزرگسالان، هرگز در تمام عمر خود، فهرستی ازاهداف‌شان تهیه نکرده‌اند.

هرگاه فهرست ده هدف‌تان کامل شد، به لیست خود باز گردید و این سؤال کلیدی را بپرسید: «از میان این هدف‌ها، کدام است که

اگر هم اکنون به آن می‌رسیدم، بیشترین تأثیر مثبت را بر زندگی‌ام می‌گذاشت»؟ پاسخ‌تان هر چه بود، دور آن خطی بکشید و آن را به عنوان اولین و مهم‌ترین هدف خود برای آینده تعیین کنید. برای آن مهلتی در نظر بگیرید؛ برایش برنامه‌ریزی کنید و بر اساس برنامهٔ خود اقدام کنید. هر روز کاری انجام دهید تا شما را به سوی هدف‌تان پیش ببرد.

از این پس، همواره در مورد آن هدف فکر و صحبت کنید. در مورد این‌که چگونه می‌توانید به آن برسید و در مورد تمام کارهای مختلفی که می‌توانید برای تحقق آن هدف انجام دهید، فکر و صحبت کنید. این تمرین قدرتمند، خلاقیت شما را برمی‌انگیزد، انرژی‌تان را افزایش می‌دهد و قابلیت شما را برای رسیدن به هدف‌های‌تان شکوفا می‌کند.

۳

تصور کنید خودتان صاحب کار هستید

مسئولیت کامل و صددرصد هر آن‌چه هستید و هر آن‌چه را خواهید شد، بپذیرید. سعی نکنید برای مشکلات و کمبودهای‌تان بهانه‌تراشی کنید یا دیگران را مقصر معرفی کنید. در مورد چیزهایی که در زندگی‌تان از آن‌ها راضی نیستید، غر نزنید. از دیگران به دلیل هیچ مسئله‌ای انتقاد نکنید. شما خودتان مسئول هستید و اگر چیزی در زندگی‌تان وجود دارد که مورد پسند شما نیست، این وظیفهٔ شماست که کاری برایش بکنید و مسئولیت بر دوش خودتان است.

سه درصد از مردم آمریکا خودشان را صاحب‌کار می‌دانند و

برای‌شان مهم نیست چه کسی فیش حقوقی‌شان را می‌دهد. بزرگ‌ترین اشتباهی که ممکن است مرتکب شوید، این است که فکر کنید برای فرد دیگری غیر از خودتان کار می‌کنید. شما همیشه صاحب‌کار هستید؛ شما همواره رئیس شرکت خدمات شخصی خودتان هستید و مهم نیست اکنون کجا کار می‌کنید.

وقتی خودتان را صاحب‌کار تصور می‌کنید، روحیهٔ کارآفرینان را در خود ایجاد می‌کنید که روحیهٔ افرادی است که به شدت مستقل، پاسخگو به خود و خودجوش هستند. به جای این‌که منتظر اتفاقی باشید، خود آن اتفاق را ایجاد می‌کنید، خود را حاکم بر زندگی‌تان و به طور کامل مسئول سلامت جسمی، رفاه مالی، شغل، روابط، خانه، ماشین و تمام اجزای هستی‌تان می‌بینید. طرز فکر افراد بسیار بزرگ، این‌گونه است.

افرادی که خود را مسئول می‌دانند، به شدت دنبال نتیجه هستند، در کارها زیاد پیش‌قدم می‌شوند، برای مأموریت‌ها داوطلب می‌شوند و همواره دنبال مسئولیت‌های بیشتر هستند؛ در نتیجه به ارزشمندترین و مورد احترام‌ترین افراد در سازمان‌های‌شان تبدیل می‌شوند. آن‌ها پیوسته خود را برای رسیدن به سِمَت‌هایی با اختیار و مسئولیت بالاتر آماده می‌کنند. شما هم باید همین کار را کنید.

به این سؤال پاسخ بدهید: «اگر به مدت یک روز رئیس شرکت‌تان می‌شدید یا مسئولیت کامل امور محل کارتان به عهدهٔ شما بود، چه تغییری را بلافاصله ایجاد می‌کردید»؟

پاسخ خود را یادداشت کنید، برای آن برنامه‌ای بنویسید و همین امروز آن‌را شروع کنید.

همین تصمیم به تنهایی می‌تواند زندگی‌تان را متحول سازد.

The 21 Absolutely Unbreakable Laws of Money

۴

کاری را انجام دهید که به آن عشق می‌ورزید

این یکی از بزرگ‌ترین اسرار موفقیت مالی و یکی از مسئولیت‌های اصلی شما در زندگی است. باید کاری را کشف کنید که از انجام آن لذت ببرید؛ کاری که استعداد طبیعی برای آن داشته باشید و بعد تمام فکر و حواس‌تان را به کار بگیرید تا آن کار را بسیار عالی انجام دهید.

میلیونرهای خودساخته، رشته‌ای را پیدا کرده‌اند که برای انجام آن کار و رسیدن به نتیجه‌های مطلوب، دقیقاً به همان قدرت‌ها و قابلیت‌های ذاتی آن‌ها نیاز است. بیشتر میلیونرها

می‌گویند که در زندگی‌شان یک روز هم کار نکرده‌اند (یعنی کارشان مثل تفریح بوده). شما هم باید رشته‌ای پیدا کنید که کاملاً شما را جذب کند.

شغل یا حوزهٔ فعالیتی که شما را شیفته سازد، توجه‌تان را جلب کند و به‌طور طبیعی بیانگر استعدادها و توانایی‌های خاص شما باشد.

وقتی کاری را که عاشقش هستید انجام می‌دهید، به نظر می‌رسد شما جریان مداومی از هیجان، انرژی و ایده دارید تا کار خود را بهتر و بهتر انجام دهید.

در این‌جا دو سؤال وجود دارد:

۱ . اگر فردا برندهٔ یک میلیارد تومان می‌شوید که مالیات هم ندارد، آیا کار فعلی خود را ادامه می‌دهید؟

۲ . آیا در شغل فعلی‌تان باقی می‌مانید؟

این‌ها سؤال‌های مهمی هستند و از شما می‌پرسند اگر همهٔ زمان و پول مورد نیاز را داشتید و در انتخاب شغل خود مختار بودید، چه کاری را متفاوت انجام می‌دادید؟

میلیونرهای خودساخته، حتی اگر برندهٔ یک میلیارد تومان پول هم بشوند، به کار قبلی خود ادامه می‌دهند. تنها ممکن است آن کار را متفاوت، بهتر یا در جای دیگری انجام دهند، اما آن‌قدر به کارشان عشق می‌ورزند که هرگز به کنار گذاشتن آن کار یا بازنشسته شدن فکر نمی‌کنند.

شاید مهم‌ترین مسئولیت شما به عنوان یک بزرگسال ـ که اطراف او پر از انتخاب‌های متعدد برای شغل و فعالیت است ـ

کشف کاری است که عاشقش هستید و این‌که خودتان را وقـف آن رشته کنید. هیچ فرد دیگری نمی‌تواند این کار را برای شـما انجـام دهد.

۵

متعهد شوید که برترین باشید

همین امروز تصمیم بگیرید در کار خود بهترین بهترین‌ها باشید. این هدف را برای خود در نظر بگیرید که جزء ده درصد از برترین افراد در زمینهٔ کاری خود شوید. این تصمیم که در کار خود خیلی خیلی خوب باشید، می‌تواند نقطهٔ عطفی در زندگی‌تان باشد. همهٔ افراد موفق در کارشان به عنوان افراد بسیار لایق در آن رشته شناخته می‌شوند.

یادتان باشد **هیچ کس بهتر و زرنگ‌تر از شما نیست.** همهٔ کسانی که امروز جزء ده درصد برتر هستند، زمانی کارشان را شروع کرده‌اند که جزء ده درصد پایین بوده‌اند. هرکسی که امروز عملکرد

خوبی دارد، روزگاری عملکرد ضعیفی داشته است. فردی که امروز در رشتهٔ خود پیشتاز است، روزی کاملاً در رشتهٔ دیگری بوده است. کاری را که فرد دیگری انجام داده، شما هم می‌توانید انجام دهید.

قانون مهم موفقیت این است: «**زندگی شما هنگامی بهتر می‌شود که شما بهتر شوید.**» و چون محدودیتی برای بهتر شدن شما وجود ندارد، برای بهبود زندگی‌تان نیز محدودیتی نخواهید داشت. تصمیم شما برای عالی شدن در کار و ورود به جرگهٔ ده درصد برتر رشتهٔ خود، می‌تواند نقطهٔ عطفی در زندگی‌تان باشد. می‌تواند کلید موفقیت‌های بزرگ باشد. گذشته از آن، این تصمیم، پایه و اساس خودباوری، احترام به خود و عزت نفس بالاتر است. وقتی عملکرد شما در کارتان بسیار خوب باشد، احساس خوبی از خودتان خواهید داشت. کیفیت کارتان بر همهٔ شخصیت و روابط شما با دیگران تأثیر می‌گذارد. وقتی بدانید در رشتهٔ خودتان در قله هستید، احساس خوبی خواهید داشت.

یکی از مهم‌ترین سؤال‌هایی که باید تا پایان زندگی شغلی‌تان از خود بپرسید و به آن پاسخ دهید، این است: «کدام مهارت است که اگر به شکلی عالی در خودتان ایجاد کنید و به کار گیرید، بیشترین تأثیر مثبت را بر زندگی‌تان خواهد گذاشت»؟

می‌دانید که یک شبه نمی‌توانید در کاری مهارت کسب کنید، اما همین حالا می‌توانید مهارتی را که می‌تواند بیشترین کمک را به شما بکند شناسایی کرده، تمام فکر و حواس خود را برای پرورش آن به کار گیرید. آن را به عنوان یک هدف تعیین کنید؛ سپس آن را یادداشت کرده، برایش مهلت تعیین کنید. برنامه‌ای تنظیم کنید و

هر روز برای بهتر شدن در آن رشته کار کنید. از تغییری که این تعهد شما به عالی شدن در زندگی‌تان ایجاد خواهد کرد، بسیار شگفت‌زده خواهید شد.

همین یک تصمیم می‌تواند شما را در مسیر شغلی‌تان به یک میلیونر تبدیل سازد.

۶

در خودتان روحیهٔ پرکار بودن را پرورش دهید

همهٔ میلیونرهای خودساخته، بسیار بسیار سخت کار می‌کنند. زودتر کار را شروع می‌کنند، سخت‌تر کار می‌کنند و دیرتر می‌روند و به عنوان یکی از پرکارترین افراد در رشتهٔ کاری‌شان شهرت پیدا می‌کنند و همه نیز این موضوع را می‌دانند.

از فرمول «بیش از چهل» استفاده کنید. این فرمول می‌گوید شما چهل ساعت در هفته کار می‌کنید تا دست‌تان به دهان‌تان برسد. هر چه بیشتر از چهل ساعت کار کنید، برای موفقیت است. اگر فقط چهل ساعت کار کنید (البته میانگین کنونی ساعت‌های

کار، هفتگی به ۳۵ ساعت نزدیک‌تر است)، همهٔ کار شما این است که درآمد بخور و نمیری داشته باشید. هرگز پیشرفت نمی‌کنید، هیچ وقت به موفقیت مالی بزرگی نمی‌رسید و هیچ‌گاه همکاران‌تان برای شما عزت و احترام قائل نخواهند بود. اگر همان دست‌کم چهل ساعت را کار کنید، فردی معمولی باقی خواهید ماند، اما هر یک ساعت که بیشتر از چهل ساعت کار می‌کنید، نوعی سرمایه‌گذاری برای آیندهٔ شماست. در واقع با توجه به این‌که هر هفته چند ساعت بیشتر از چهل ساعت وقت گذاشته‌اید، می‌توان گفت بعد از پنج سال به کجا خواهید رسید.

امروزه در آمریکا میلیونرهای خودساخته به طور متوسط، هفته‌ای ۵۹ ساعت کار می‌کنند. برخی از آن‌ها حتی هفته‌ای هفتاد تا هشتاد ساعت کار می‌کنند. میلیونرهای خودساخته به طور متوسط، به جای هفته‌ای پنج روز، هفته‌ای شش روز کار می‌کنند و زمان کاری روزانهٔ آن‌ها نیز بیشتر از دیگران است. اگر می‌خواهید به یک میلیونر خودساخته تلفن کنید، قبل یا بعد از ساعت‌های کار عادی به دفترش زنگ بزنید. معمولاً وقتی کارمندان سرکار می‌آیند، میلیونر خودساخته سرکار است و وقتی آن‌ها می‌روند، او هنوز در حال کار است. نکتهٔ کلیدی این است: «در تمام مدتی که سرکار هستید، واقعاً کار کنید» و در هنگام کار، وقت تلف نکنید. وقتی صبح زود می‌آیید، سرتان را پایین بیندازید و بلافاصله مشغول شوید. وقتی کسی می‌خواهد با شما صحبت کند، عذرخواهی کنید و بگویید: «باید برگردم سر کارم». لباس‌های‌تان را به خشک‌شویی نبرید، به دوستان‌تان زنگ نزنید، با همکاران‌تان اختلاط نکنید و

روزنامه هم نخوانید. در تمام مدتی که سرکار هستید، واقعاً کار کنید.

همین امروز تصمیم بگیرید که به عنوان پرکارترین فرد در شرکت‌تان مشهور شوید. این کار توجه کسانی را که می‌توانند کمک‌تان کنند، سریع‌تر از هر چیز دیگری به شما جلب می‌کند.

۷

خود را وقف یادگیری مادام‌العمر کنید

حقیقت این است که آن‌قدر عقل، توانایی و هوش دارید که اگر تا آخر عمرتان هم روی رشد آن‌ها کار کنید، نمی‌توانید از همه‌اش استفاده کنید. شما زرنگ‌تر از آن هستید که بتوانید تصورش را بکنید. اگر در هر موقعیتی که قرار می‌گیرید، ذهن‌تان را به کار بگیرید، هیچ مانعی وجود ندارد که نتوانید برطرف کنید، هیچ مشکلی نیست که نتوانید آن را حل کنید و هیچ هدفی نیست که نتوانید به آن دست پیدا کنید؛ البته ذهن شما همانند یک عضله است و تنها در صورت

استفاده رشد می‌کند. همان‌طور که باید برای رشد عضله‌های جسم‌تان از آن‌ها کار بکشید، باید از عضله‌های ذهن‌تان کار بکشید تا ذهن‌تان رشد کند. مایهٔ دلگرمی است که هر چه بیشتر یاد بگیرید، بیشتر می‌توانید یاد بگیرید. درست مثل این است که هر چه بیشتر یک ورزش را انجام دهید، در آن ورزش بهتر می‌شوید. هر چه بیشتر خودتان را وقف یادگیری مادام‌العمر کنید، یادگیری بیشتر برای‌تان ساده‌تر و سریع‌تر می‌شود.

رهبران، اهل یادگیری هستند. یادگیری مداوم، کلید قرن بیست و یکم است. یادگیری مادام‌العمر، جزء حداقل‌ها برای موفقیت در رشتهٔ شما یا هر رشتهٔ دیگر است. همین امروز تصمیم بگیرید که دانش‌پژوه رشتهٔ خودتان شوید و تا آخر عمرتان به یاد گرفتن و بهتر شدن ادامه دهید.

یادگیری مادام‌العمر، سه کلید دارد:

کلید اول: هر روز پس از بیدار شدن، سی تا شصت دقیقه در زمینهٔ حرفهٔ خود مطالعه کنید. خواندن برای ذهن، مانند ورزش برای جسم است. وقتی هر روز یک ساعت مطالعه کنید، تقریباً معادل یک کتاب در هفته است. یک کتاب در هفته، حدوداً معادل پنجاه کتاب در یک‌سال است و پنجاه کتاب در سال، یعنی پانصد کتاب در ده سال آینده. از آن‌جایی که هر فرد بالغ، به طور متوسط کمتر از یک کتاب در سال مطالعه می‌کند، اگر شما یک ساعت

مطالعه کردن در روز را شروع کنید، همین کار به تنهایی، امتیازی باور نکردنی در رشته‌تان به شما می‌دهد. تنها با یک ساعت مطالعه در روز، به یکی از زرنگ‌ترین، لایق‌ترین و پردرآمدترین افراد در حرفهٔ خود تبدیل خواهید شد.

کلید دوم: گوش دادن به برنامه‌های صوتی است؛ به ویژه هنگامی که در اتومبیل خود در حال رانندگی از جایی به جای دیگر هستید. هر فرد به طور متوسط، بین پانصد تا هزار ساعت را در طول سال در اتومبیلش می‌گذارند. این مدت زمان، معادل دوازده تا چهارده هفته با چهل ساعت کار در هفته است؛ به عبارت دیگر، سه تا شش ماه زمان کاری که معادل یک تا دو ترم دانشگاهی تمام وقت است.

اتومبیل خود را به یک ماشین یادگیری تبدیل کرده، آن را به یک دانشگاه سیار تبدیل کنید. هیچ‌گاه نگذارید اتومبیل‌تان بدون پخش یک برنامهٔ آموزشی روشن بماند. بسیاری از افراد، با معجزهٔ یادگیری با برنامه‌های صوتی میلیونر شده‌اند. به همین دلیل است که معمولاً گفته می‌شود: برنامه‌های آموزشی صوتی، بزرگ‌ترین پیشرفت در آموزش، بعد از اختراع دستگاه چاپ است.

کلید سوم: در هر سمیناری که پیدا می‌کنید و می‌تواند به بهبود شما در رشته‌تان کمک کند، شرکت کنید.

ترکیب کتاب‌ها، برنامه‌های صوتی و سمینارها، این امکان را برای شما فراهم می‌کند که برای رسیدن به سطح یکسانی از موفقیت مالی، صدها ساعت در وقت و میلیون‌ها تومان در هزینه‌ها و چندین سال در عمرتان صرفه‌جویی کنید. بسیاری از افراد، واقعاً

در اثر مطالعهٔ یک کتاب، گوش دادن به یک برنامهٔ صوتی یا شرکت در یک سمینار، میلیونر شده‌اند. همین امروز تصمیم بگیرید که در تمام عمرتان اهل یادگیری باشید. از تأثیر این تصمیم بر مسیر شغلی‌تان متحیر خواهید شد.

۸

ابتدا سهم خودتان را کنار بگذارید

در طول زندگی کاری‌تان، ده درصد از درآمد خود را پس‌انداز و سرمایه‌گذاری کنید. هربار که فیش حقوقی‌تان را دریافت می‌کنید، ابتدا ده درصد از درآمدتان را بردارید و آن را در یک حساب مخصوص جهت ذخیره، کنار بگذارید.

اگر در طول زندگی کاری‌تان، هر ماه فقط صد دلار پس انداز کنید و آن را در یک حساب سپرده‌گذاری واریز کنید که سالیانه ده درصد سود می‌دهد، تا هنگام بازنشستگی، ثروتی بیش از یک میلیون دلار انباشته‌اید. مفهومش این است که هر فردی حتی اگر کمترین حقوق را هم داشته باشد، اگر به حد کافی زود شروع کرده

باشد و به اندازهٔ کافی به پس انداز کـردن ادامـه دهـد، بـا گذشـت زمان، می‌تواند میلیونر شود.

گفته می‌شود که «اگر نمـی‌توانیـد پـس انـداز کنیـد، بـذرهای عظمت در شما نیـست». پـرورش عـادت پـس‌انـداز مـادام‌العمـر و سرمایه‌گذاری پول‌تان، ساده نیست و احتیاج به عزم و ارادهٔ فـراوان دارد. باید آن را به عنوان هدف تعیین کنید. یادداشتش کنید، برایش برنامه‌ریزی کنید و به طور مداوم روی آن کار کنید، اما وقتی که جا افتاد و ملکه شد، موفقیت مالی‌تان تقریباً تضمین شده است.

در تمام امور صرفه‌جویی کنید، صرفه‌جویی کنید و صرفه‌جـویی کنید. حواس‌تان به هر یک تومانی که خرج مـی‌کنیـد باشـد. همـهٔ مخارج را بررسـی کنیـد. تـصمیم‌گیـری بـرای خریـدهای مهـم را دست‌کم یک هفته و حتی یک ماه به تـأخیر انداختـه یـا بـه وقـت دیگری موکول کنید. هر اندازه، تصمیم خرید را عقـب‌تـر بیندازیـد، تصمیم‌تان بهتر می‌شود و در زمان خرید، قیمت بهتری نـصیب‌تـان می‌شود.

دلیل اصلی این‌که مردم در هنگام بازنشستگی بی‌پـول هـستند، خریدهای هوسی و عجولانه است. کالایی را مـی‌بیننـد و بـا کمـی فکر، آن‌را می‌خرند. آن‌ها قربانی «قانون پارکینسون» می‌شوند. این قانون می‌گوید: **«خرج‌ها آن‌قدر بالا می‌روند تا به درآمدها برسـند»**. هر چقدر پول در بیاورید، به همان مقدار و کمـی هـم بیـشتر از آن خرج می‌کنید. اگـر قربـانی قـانون پارکینـسون شـوید، هـیچ وقـت پیشرفت نمی‌کنید و هرگز از زیر بار بدهی بیرون نمی‌آیید، اما شـما نمی‌خواهید این‌طور باشید. اگر نمی‌توانید ده درصـد از درآمـدتان را

پس‌انداز کنید، از امروز شروع کنید و یک درصد از درآمدتان را در یک حساب سپرده، سرمایه‌گذاری کنید. این مقدار را سَرِ ماه و حتی قبل از پرداخت بدهی‌های‌تان کنار بگذارید. یاد بگیرید که با ۹۹ درصد دیگر از درآمدتان زندگی کنید. وقتی زندگی با ۹۹ درصد درآمدتان برای‌تان آسان شد، میزان پس‌انداز خود را به دو درصد درآمدتان برسانید؛ سپس سه درصد، چهاردرصد و بیشتر. پس از یک سال خواهید دید که ده درصد، حتی پانزده یا بیست درصد درآمدتان را پس‌انداز می‌کنید و در عین حال، زندگی راحتی با بقیهٔ درآمدتان دارید.

در همین زمان، حساب سپردهٔ سرمایه‌گذاری شما کم‌کم رشد می‌کند. در مورد هزینه‌های‌تان، ملاحظهٔ بیشتری می‌کنید و شروع به بازپرداخت بدهی‌های‌تان می‌کنید. طی یک یا دو سال، کنترل تمام امور مالی‌تان را به دست می‌گیرید و در مسیر میلیونر شدن قرار می‌گیرید.

این روش در مورد همهٔ افرادی که تاکنون آن را به کار بسته‌اند، نتیجه داده و برای شما هم نتیجه خواهد داد.

۹

تمام جزئیات حرفهٔ خود را یاد بگیرید

بازار فقط به عملکرد عالی، پاداش‌های عالی می‌دهد. به عملکرد متوسط، پاداش متوسط و به عملکرد پایین‌تر از متوسط، پاداش پایین‌تر از متوسط یا حتی شکست و ناکامی می‌دهد. وظیفهٔ شما این است که با یاد گرفتن همهٔ جزئیات در مورد نحوهٔ انجام بهتر امور، در رشتهٔ انتخابی‌تان متخصص شوید. تمام مجله‌های مربوط به رشتهٔ خود را بخوانید، جدیدترین کتاب‌ها را بخوانید و یاد بگیرید؛ در دوره‌های آموزشی و سمینارهایی که توسط متخصصان رشته‌تان برگزار می‌شود شرکت کنید؛ به انجمن مربوط به صنعت یا تجارت‌تان بپیوندید و در تمام جلساتش شرکت کنید و با بقیهٔ افراد

برتر در رشته‌تان، رابطه‌ای نزدیک برقرار کنید.

قانون اطلاعات انسجام یافته می‌گوید: «**هر فردی که بتواند در هر رشته‌ای بیشترین اطلاعات را تلفیق کند و به کار ببندد، خیلی زود در آن رشته به اوج می‌رسد**»؛ مثلاً اگر شما در کار فروش هستید، باید مانند یک دانش‌جوی نترس، تا آخر عمرتان به دنبال کسب اطلاعات در زمینهٔ فرآیند فروش باشید.

درآمد بیست درصد از فروشندگان برتر، شانزده برابر میانگین درآمد هشتاد درصد از فروشندگان معمولی است. درآمد ده درصد از برترین فروشندگان از این هم بالاتر است. اگر در کار مدیریت هستید، مصمم شوید که یک مدیر حرفه‌ای برجسته شوید. اگر در حال راه‌اندازی کسب و کار خودتان هستید، روش‌های کارآفرینان را مطالعه کنید و هر روز، ایده‌های جدیدی را به کار بگیرید.

این هدف را برای خود در نظر بگیرید که در کسب و کار یا شغل‌تان بهترین شوید. یک فوت کوزه‌گری یک الهام یا یک ایده کوچک، می‌تواند نقطهٔ عطفی در شغل‌تان باشد. هیچ وقت از جست‌وجوی آن دست برندارید.

۱۰

خود را وقف خدمت به دیگران کنید

پاداش‌های شما در زندگی، کاملاً متناسب با خدمتی است که به دیگران ارائه می‌کنید. تمام میلیونرهای خودساخته، در مورد خدمات به مشتریان، وسواس به خرج می‌دهند. آن‌ها همیشه به مشتریان‌شان فکر می‌کنند و همیشه به دنبال روش‌های جدیدی می‌گردند تا بهتر از هر کس دیگری به مشتریان‌شان خدمات ارائه دهند.

همواره این سؤالات را از خودتان بپرسید: «مشتریان من واقعاً چه می‌خواهند؟ مشتریان من واقعاً چه چیزی نیاز دارند؟ ارزش‌های مورد نظر مشتریان من کدامند؟ من چه چیزی را می‌توانم بهتر از

دیگران به مشتریانم بدهم؟ چرا مشتریانم از رقیبان من خرید می‌کنند و چه چیزی باید به آن‌ها عرضه کنم تا این‌بار از من خرید کنند؟»

این یکی از مهم‌ترین قوانین برای موفقیت است: «موفقیت‌تان در زندگی کاملاً متناسب با کاری است که فراتر از وظیفهٔ خود انجام می‌دهید». همیشه به دنبال فرصت‌هایی باشید که کاری علاوه بر آن‌چه برایش پول می‌گیرید، انجام دهید. همیشه کاری فراتر از توقع مشتری انجام دهید. یادتان باشد هیچ مانعی برای انجام کاری فراتر از توقعات وجود ندارد.

این سؤالی است که هر روز باید از خود بپرسید و پاسخ دهید: «امروز چه کاری می‌توانم انجام دهم که ارزش خدماتم را به مشتریانم افزایش دهد؟» همواره به دنبال راه‌هایی باشید که هر روز ارزش کارتان و افرادی را که به شما وابسته‌اند، افزایش دهید. یک بهبود کوچک در نحوهٔ ارائهٔ خدمات به مشتریان‌تان، می‌تواند دلیل اصلی موفقیت مالی‌تان شود. هیچ‌گاه از جست و جوی راه‌های کوچک برای بهبود خدمات به مشتریان، باز نایستید.

۱۱

با خود و دیگران کاملاً روراست باشید

شاید ارزشمندترین ویژگی‌یی که می‌توانید در خودتان پرورش دهید، مشهور شدن به درستکاری مطلق است. در هر کاری که انجام می‌دهید و در هر معامله و فعالیتی، صادق باشید. به دلیل هیچ مسئله‌ای درستکاری‌تان را از دست ندهید. به یاد داشته باشید که حرف شما، ضمانتِ کار شماست و در کسب و کار، نیک‌نامی شما بزرگ‌ترین سرمایهٔ شماست. پایه و اساس همهٔ کسب و کارهای موفق، اعتماد است. موفقیت شما در میلیونر شدن، تنها به تعداد افرادی بستگی دارد که به شما اعتماد دارند و مایلند برای‌تان کار

کنند، شما را تأیید کنند، به شما پول قرض بدهند، محصولات و خدمات‌تان را بخرند و در هنگام بروز مشکلات، شما را از گرفتاری نجات دهند.

مهم‌ترین چیزی که در تمام زندگی‌تان پرورش می‌دهید، شخصیت شماست و پایه و مبنای شخصیت شما هم شهرتی است که به سبب درست کاری کسب کرده‌اید.

اولین جزء درستکاری این است که با خودتان صادق باشید. تا جایی که برای‌تان ممکن است، صادق باشید. با خود صادق بودن به این معناست که کارتان را عالی انجام دهید. درست کاری، در درون با صداقت شخصی و در برون با کار عالی، بروز پیدا می‌کند. (پس از صداقت با خود)، در زندگی‌تان با سایر افراد صادق باشید. با همه به درستی زندگی کنید. هیچ‌گاه چیزی را که درستی، خوبی و حقیقت آن‌را باور ندارید، نگویید و انجام ندهید. در هیچ شرایطی از درستکاری‌تان دست برندارید و همواره براساس آن‌چه بهترین معیار می‌دانید، عمل کنید.

این سؤالی است که همیشه باید از خود بپرسید و به آن پاسخ دهید: «اگر در دنیا همه کاملاً مثل من بودند، دنیا چگونه می‌شد»؟

این سؤال شما را وادار می‌کند معیارهای بالاتری برای خود در نظر بگیرید و شاخص‌ها را پیوسته افزایش دهید. به شکلی عمل کنید که گویا تمام حرف‌ها و اعمال‌تان قرار است به یک قانون عمومی تبدیل شوند. به شکلی رفتار کنید که گویا همه شما را نگاه

می‌کنند و رفتارشان را از شما الگوبرداری می‌کنند.

هرگاه شک کردید، هرچه بود و به هر قیمتی که شده، همیشه کار درست را انجام دهید.

۱۲

برای فعالیت‌های‌تان اولویت تعیین کنید و با پشتکار روی هر یک از کارهای‌تان تمرکز کنید

این فرمول کلیدی برای داشتن بهره‌وری بالا و عملکرد خوب و تبدیل شدن به یک میلیونر است. با اولویت‌بندی و تمرکز بر کارها می‌توانید تقریباً به هر چیزی که در زندگی می‌خواهید برسید. این روش ساده، دلیل اصلی درآمد بالا، تولید ثروت و استقلال مالی هزاران و حتی میلیون‌ها نفر بوده است.

توانایی شما در تعیین بالاترین اولویت‌تان و کار روی آن تا مرحلهٔ پایان کار، امتحان و معیار اصلی اراده، انضباط شخصی و

منش فردی شماست. این سخت‌ترین کار است، اما اگر می‌خواهید به موفقیت بزرگی برسید، مهم‌ترین کار است.

این فرمول بهره‌وری بالاست: قبل از شروع، همهٔ کارهایی را که لازم است انجام دهید، فهرست کنید.

این سؤال‌ها را چندین بار از خود بپرسید تا بتوانید اولویت‌های فهرست‌تان را تعیین کنید. سؤال اول: «**باارزش‌ترین فعالیت‌های من کدامند**»؟ چه کاری را انجام می‌دهید که ارزشمندترین کار برای حرفه و کسب و کار شماست.

سؤال دوم: «**چرا به من حقوق می‌دهند**»؟ دقیقاً برای رسیدن به چه چیزی شما را استخدام کرده‌اند؟ روی نتیجه‌ها تمرکز کنید نه فعالیت‌ها.

سؤال سوم: «**چه کاری را من و فقط من می‌توانم انجام دهم که اگر خوب انجام دهم، تغییری اساسی ایجاد خواهم کرد**»؟ این کاری است که تنها شما می‌توانید انجام دهید و اگر شما آن را نپذیرید، انجام نخواهد شد، اما اگر آن را بپذیرید و خوب انجامش دهید، می‌تواند تغییر چشمگیری در کار یا زندگی شخصی‌تان ایجاد کند. آن کار چیست؟

سؤال چهارم: «**در حال حاضر، ارزشمندترین استفاده از وقت من چیست**»؟ در هر زمان، تنها یک پاسخ برای این سؤال وجود دارد. توانایی شما در تعیین ارزشمندترین استفاده از وقت‌تان و شروع به انجام آن کار، کلید بهره‌وری بیشتر و موفقیت مالی شما است. در نهایت با خود عهد ببندید که با پشتکار روی یک فعالیت

(مهم‌ترین فعالیت) کار کنید و تا وقتی که آن کار صددرصد کامل نشده، آن‌را کنار نگذارید. ثابت قدم باشید و حواس پرتی و انحراف از مسیر را به خود راه ندهید. خودتان را وادار کنید تا پایان هر کاری، پای آن کار بمانید.

مایهٔ امیدواری است که با اولویت‌بندی مداوم و تمرکز روی باارزش‌ترین فعالیت‌تان، به زودی عملکرد خوب برای‌تان تبدیل به یک عادت می‌شود. این عادت در ادامه ملکه شده، در عمل تضمین کنندهٔ موفقیت‌های بزرگ در زندگی‌تان می‌شود. همین عادت به تنهایی، می‌تواند شما را میلیونر کند.

۱۳

به داشتن سرعت عمل و قابل اطمینان بودن مشهور شوید

واحد پول قرن بیست و یکم، «زمان» است. این روزها همه بسیار عجله دارند. مشتریانی که قبلاً نمی‌دانستند کالا یا خدماتی را می‌خواهند یا نه، حالا حتی اگر همین امروز کالا را تحویل بگیرند، فکر می‌کنند دیر است. مردم صبرشان در هر زمینه‌ای روز به روز کمتر می‌شود. مشتری‌های قدیمی هم اگر بفهمند فرد دیگری هست که می‌تواند سریع‌تر از طرف‌های کنونی‌شان خدمات بدهد، یک شبه سراغ او می‌روند. شعار قدیمی «مشتری را باید به سرعت راضی کرد»، دیگر به اندازهٔ کافی سریع نیست. وظیفهٔ شما این

است که به سرعت عمل معروف شوید؛ به هر کاری حالت اورژانسی بدهید؛ در خودتان نسبت به کار، تعصب ایجاد کنید؛ هر فرصتی که پیش آمد، به سرعت وارد عمل شوید؛ وقتی مردم چیزی می‌خواهند یا نیاز دارند، به سرعت اقدام کنید؛ وقتی می‌بینید کاری باید انجام شود، سریع دست به کار شوید؛ وقتی مشتری یا رئیس‌تان کاری از شما می‌خواهند، اگر آب دست‌تان بود، زمین بگذارید و چنان سریع عمل کنید که حیرت کنند. می‌گویند: «اگر می‌خواهی کارت درست انجام شود، آن‌را به کسی بده که سرش شلوغ است». کسانی که به داشتن سرعت عمل مشهور هستند، فرصت‌ها و موقعیت‌های بیشتری را به سوی خود جلب می‌کنند. آن‌ها فرصت‌های بسیار بیشتری پیدا می‌کنند تا کارهای بیسار زیادی را سریع‌تر از افرادی انجام دهند که فقط وقتی کار انجام می‌دهند که حوصله‌اش را داشته باشند.

وقتی بتوانید توانایی‌تان در تعیین وظایف اولویت‌دار را با تعهد به انجام سریع و خوب کارها ترکیب کنید، خواهید دید که در حال پیشرفت هستید و بیش از آن‌چه امروز فکرش را می‌کنید، درها و فرصت‌ها به روی‌تان باز خواهد شد.

۱۴

خودتان را آماده کنید تا در زندگی و کارتان از قله‌ای به قلهٔ دیگر صعود کنید

همان‌طور که یک کوهنورد پس از رسیدن به قله باید رو به دره پایین برود تا باز به قلهٔ دیگری صعود کند، شما هم باید همین کار را در زندگی انجام دهید. زندگی و کارتان مجموعه‌ای از فراز و نشیب‌ها خواهد بود. می‌گویند: «زندگی دو قدم جلو رفتن است و یک قدم عقب آمدن».

همهٔ زندگی شغلی، از چرخه‌ها و دوره‌ها تشکیل شده است. گاهی اوقات در چرخهٔ پیشرفت قرار دارید و گاهی هم در چرخهٔ پسرفت. دوره‌هایی در کار هست که ممکن است منجر به یک تغییر

کلی در رشتهٔ شما شود. ما امروزه این مسئله را در اینترنت و در گسترش همه‌جانبهٔ تکنولوژی می‌بینیم که موجب شده بسیاری از فکرها و باورهای محکم‌مان در مورد نحوهٔ ادارهٔ کسب و کار تغییر کند.

در خودتان نگرش بلند مدت ایجاد کنید. دربارهٔ هر کاری که انجام می‌دهید، دید بلندمدت داشته باشید. برای دو، سه، چهار و پنج سال آینده برنامه‌ریزی کنید. اجازه ندهید سرد و گرم روزگار که عمر کوتاهی دارند، شما را از لحاظ روحی، بالا و پایین ببرند.

همیشه به خودتان یادآوری کنید همه چیز در زندگی‌تان چرخه و دوره‌ای دارد که به هر حال خواهد گذشت. در برابر نوسان‌های کوتاه مدت در ثروت‌تان آرام و آسوده باشید و اعتماد به نفس‌تان را از دست ندهید. وقتی هدف‌ها و برنامه‌های روشنی دارید و هر روز روی آن‌ها کار می‌کنید، مسیر کلی زندگی‌تان در طول زمان، رو به پیشرفت خواهد بود.

۱۵

در تمام کارهای‌تان انضباط شخصی داشته باشید

این مهم‌ترین خصوصیت بی‌نظیر برای موفقیت در زندگی و میلیونر شدن است. اگر خودتان را طوری تربیت کنید که کاری را که باید انجام دهید، (چه خوش‌تان بیاید و چه نیاید) در وقت خودش انجام دهید، موفقیت شما تضمین شده است.

کلید میلیونر شدن، داشتن نگرش بلندمدت همراه توانایی به تعویق انداختن لذت‌های کوتاه مدت است. کلید میلیونر شدن، توانایی شما در تعیین یک هدف مالی بلند مدت برای ثروتمند شدن است و این‌که خودتان را تربیت کنید هر روز و در هر هزینه‌ای،

فقط کارهایی را انجام دهید که دست‌یابی نهایی شما به هدف بلند مدت‌تان را تضمین می‌کند.

انضباط شخصی یعنی تسلط بر خود، کنترل شخصی، مسئولیت‌پذیری شخصی و هدایت شخصی. تفاوت میان افراد موفق و ناموفق این است که افراد موفق، خود را به انجام کارهایی عادت می‌دهند که افراد ناموفق دوست ندارند انجام دهند. آن کارها کدامند؟ کارهایی که افراد ناموفق انجامش را دوست ندارند، همان کارهایی است که افراد موفق هم دوست ندارند انجام دهند، اما افراد موفق به هر حال آن‌ها را انجام می‌دهند، چون فهمیده‌اند این بهایی است که باید برای رسیدن به موفقیت مورد نظرشان بپردازند. موفق‌ها بیشتر به دنبال نتیجه‌های خوش‌آیند هستند؛ ناموفق‌ها بیشتر به دنبال روش‌های خوش‌آیند. افراد موفق کارهایی را انجام می‌دهند که در جهت رسیدن به اهداف‌شان است؛ افراد ناموفق کارهایی را انجام می‌دهند که در جهت کاهش فشارهای روحی است. افراد موفق کارهایی را انجام می‌دهند که سخت و در عین حال ضروری و مهم هستند، اما افراد ناموفق ترجیح می‌دهند کارهایی را انجام دهند که سرگرم کننده و آسان هستند و باعث رسیدن به لذت‌های آنی می‌شوند.

مایهٔ امیدواری است که اگر هر کاری را در جهت انضباط شخصی‌تان انجام دهید، در امور دیگر منظم‌تر خواهید شد. هر بار که انضباط شخصی دارید، اعتماد به نفس‌تان بالاتر می‌رود و علاقه و احترامی که به خودتان دارید، بیشتر می‌شود. هر قدر در کارهای کوچک انضباط بیشتری داشته باشید، توانایی‌تان برای داشتن

انضباط در فرصت‌ها، تجربه‌ها و چالش‌های بزرگ زندگی افزایش می‌یابد.

به یاد داشته باشید که همه چیز در زندگی یک امتحان است. هر روز، هر ساعت و گاهی هر دقیقه در حال امتحان دادن در زمینهٔ تسلط بر خود، کنترل شخصی و انضباط شخصی هستید. این امتحان‌ها برای این است که مشخص شود آیا می‌توانید خودتان را وادار کنید مهم‌ترین کارها را انجام دهید و تا تمام نشده‌اند، دست از کار نکشید. امتحان برای این است که معلوم شود آیا به جای فکر کردن به چیزهایی که نمی‌خواهید و مشکلاتی که در گذشته داشته‌اید، می‌توانید توجه‌تان را روی چیزی که می‌خواهید و هدفی که می‌خواهید به آن برسید، متمرکز کنید؟

وقتی در امتحان قبول می‌شوید، به کلاس بالاتر می‌روید و تا وقتی که در این امتحان‌ها قبول می‌شوید، در زندگی هم پیوسته پیشرفت می‌کنید.

۱۶

خلاقیت ذاتی‌تان را شکوفا کنید

این‌ها چند نکتهٔ امیدوار کننده هستند:

ـ شما قابلیت این را دارید که یک نابغه شوید.

ـ زرنگ‌تر از آنی هستید که تاکنون تصور می‌کردید.

ـ قدرت ذهنی و توانایی خلاقانهٔ دست نخوردهٔ شما خیلی بیشتر از آن است که تاکنون استفاده کرده‌اید.

مغز شما صد میلیارد سلول دارد که هر کدام از این سلول‌ها بـه کمک یک شبکهٔ پیچیدهٔ گره‌های عصبی و دندریت‌هـا، بـا بیـست هزار سلول دیگر در ارتباط است. مفهومش این است که حالت‌های مختلف ترکیب و جایگشت ممکن برای سلول‌های مغزتان بیشتر از

تعداد مولکول‌های جهانی است که ما می‌شناسیم.

توانایی شما برای خلق ایده‌هایی که در رسیدن به موفقیت کمک‌تان کند، بی‌نهایت و نامحدود است؛ یعنی توانایی شما برای موفقیت هم نامحدود است.

خلاقیت شما با سه چیز تحریک می‌شود:

۱. هدف‌هایی که بسیار به آن‌ها علاقه‌مندید.

۲. مشکلاتی که به شدت به شما فشار می‌آورند.

۳. سؤالاتی که روی آن تمرکز می‌کنید.

هر چه بیشتر ذهن‌تان را روی رسیدن به اهداف، حل مشکلات، پاسخ دادن به سؤالات زندگی کاری و شخصی‌تان متمرکز کنید، زرنگ‌تر می‌شوید و ذهن‌تان در آینده، سریع‌تر کار می‌کند.

ذهن و خلاقیت‌تان، همانند یک عضله است. هر چه کار بیشتری از آن بکشید، قوی‌تر و انعطاف‌پذیرتر می‌شود. اگر خود را به گونه‌ای تربیت کنید که تمام روز خلاقانه فکر کنید، می‌توانید واقعاً گیرایی و ضریب هوشی‌تان را افزایش دهید.

یادتان باشد که واژهٔ «خلاقیت» با واژهٔ «بهبود» به یک معناست. هرگاه ایده‌ای به ذهن‌تان رسید که بخشی از کارتان را بهبود بخشید و با آن راه‌های جدیدتر، بهتر، سریع‌تر، ارزان‌تر یا ساده‌تری برای رسیدن به یک نتیجه پیدا کردید، بدانید که در اوج خلاقیت هستید.

۱۷

با افراد مناسب معاشرت کنید

۸۵ درصد از موفقیت شما در زندگی، به کیفیت روابطی بستگی دارد که در امور شخصی و شغلی‌تان ایجاد می‌کنید. هرچه تعداد افرادی که می‌شناسید بیشتر باشد و آن‌ها نیز نظر خوبی در مورد شما داشته باشند، موفق‌تر خواهید بود و سریع‌تر پیشرفت خواهید کرد. تقریباً در همهٔ نقاط عطف زندگی‌تان، شخصی ایستاده تا به شما کمک کند یا مانع‌تان شود. افراد موفق، خودشان را عادت می‌دهند که در طول زندگی‌شان، شبکه‌ای از روابط عالی را ایجاد و حذف کنند و در نتیجه، از یک فرد معمولی که هر شب به خانه می‌رود و تلویزیون تماشا می‌کند، نتیجهٔ بهتری می‌گیرند.

همهٔ دارایی شما روابط شماست. تقریباً همهٔ مشکلات شما در زندگی، به دلیل وارد شدن به رابطه‌ای نامناسب با فردی نامناسب است. تقریباً همهٔ موفقیت‌های شما در زندگی با روابطی همراه است که در آن افراد خوبی هستند که به شما کمک می‌کنند و شما هم در مقابل به آن‌ها کمک می‌کنید.

بیش از نود درصد از موفقیت شما به گروه معیارتان بستگی دارد. گروه معیار شما این‌گونه تعریف می‌شود: «کسانی که بیشتر مواقع با آن‌ها احساس نزدیکی کرده، معاشرت می‌کنید». شما نگرش، رفتارها، ارزش‌ها و اعتقادهای افرادی را که بیشتر وقت‌ها با آن‌ها معاشرت دارید، به شکلی ناخودآگاه تقلید می‌کنید؛ شبیه کاری که آفتاب‌پرست‌ها انجام می‌دهند. اگر می‌خواهید فرد موفقی باشید، با افراد مثبت‌اندیش و موفق معاشرت کنید. با افرادی معاشرت کنید که خوش‌بین، شاد و هدفمند باشند و در زندگی‌شان پیشرفت کنند. در عین حال، از افراد منفی، عیب‌جو و غرغرو اجتناب کنید. «کبوتر با کبوتر باز با باز، کند همجنس با همجنس پرواز».

میلیونرهای خودساخته، همیشه دنبال گسترده‌تر کردن شبکهٔ ارتباطات خود هستند. در انجمن‌های مربوط به صنعت و تجارت‌شان عضو می‌شوند؛ در همهٔ جلسه‌ها و فعالیت‌ها شرکت می‌کنند؛ خودشان را در محیط‌های کاری و اجتماعی به دیگران معرفی می‌کنند؛ کارت ویزیت‌شان را به همه می‌دهند و شغل خود را به دیگران می‌گویند.

این یکی از بهترین روش‌هاست که هرگاه با شخصی در جامعه یا محیط کار آشنا شدید، از او بخواهید دربارهٔ کسب و کارش با شما

صحبت کند و به ویژه بگوید شما لازم است چه چیزی بدانید تا بتوانید برایش مشتری یا ارباب رجوع بفرستید؛ سپس در اولین فرصت ببینید آیا می‌توانید موردی کاری برایش بفرستید.

بلندنظر باشید، نه تنگ نظر. همیشه قبل از این‌که به فکر سود باشید، به دنبال سود رساندن باشید. بهترین راه آشنایی با افراد جدید و ایجاد ارتباط این است که همیشه دنبال راه‌هایی باشید که به دیگران در رسیدن به هدف‌های‌شان کمک کنید.

قانونش این است: هر چه بیشتر و بدون چشم داشت مادی از خودتان مایه بگذارید، سود بیشتری از جایی که انتظار ندارید، نصیب‌تان می‌شود.

۱۸

از جسم‌تان به خوبی مراقبت کنید

ما از نظر طول عمر و سلامت جسمانی، در بهترین دوران از تاریخ بشر زندگی می‌کنیم. امروزه می‌توانید طولانی‌تر و بهتر از آن‌چه قبل از این ممکن بوده، زندگی کنید. هدف شما باید این باشد که تا هشتاد، نود یا صد سالگی، با سلامت کامل زندگی کنید. اگر تصمیم بگیرید، می‌توانید این کار را انجام دهید.

ابتدا برای خودتان این هدف را تعیین کنید که حداقل تا هشتاد سالگی زندگی کنید؛ سپس به عادت‌های کنونی‌تان در زمینهٔ بهداشت فردی نگاه کنید و از خود بپرسید: «آیا با نحوهٔ فعلی زندگی‌ام، می‌توانم با شرایطی عالی تا هشتاد سالگی زندگی کنم؟»

سه کلید برای زندگی طولانی همراه خوشبختی و سلامتی وجود دارد:

۱. وزن مناسب: کنترل وزن‌تان را به عنوان یک هدف در نظر بگیرید و تا آخر عمرتان، لاغر و متناسب باقی بمانید. یک فرمول شش کلمه‌ای ساده برای کاهش وزن و تناسب اندام وجود دارد: «کمتر بخورید و بیشتر ورزش کنید». اگر بتوانید این کار را انجام دهید، موفق خواهید شد.

۲. رژیم غذایی مناسب: قانون تغذیهٔ مناسب شما این است که غذاهای بهتر بخورید و این غذاها را نیز کم بخورید. پروتئین کم‌چربی، میوه‌جات و سبزیجات بیشتری بخورید. دسر، نوشابه، شیرینی و هر چیز دیگری را که شکر دارد، از زندگی‌تان حذف کنید. دیگر نمک اضافه و چیزهایی را که آرد سفید دارند، نخورید. وعده‌های غذایی‌تان مختصر باشد و به جای سه وعدهٔ مفصل، روزی چهار یا پنج مرتبه غذا بخورید.

هرگاه بتوانید عادت‌های غذایی‌تان را به طور کامل کنترل کنید، کنترل سایر عادت‌های‌تان در زندگی آسان‌تر خواهد شد.

۳. ورزش مناسب: ضروری است که تقریباً دویست دقیقه در هفته یا به طور متوسط سی دقیقه در روز ورزش کنید. می‌توانید با هفته‌ای سه تا پنج بار پیاده‌روی تند که در ابتدا سی دقیقه و در ادامه تا شصت دقیقه می‌رسد، ورزش کافی داشته باشید. اگر در این کار جدی هستید، می‌توانید عضو یک باشگاه ورزشی شوید یا برای خانه‌تان دستگاه‌های تناسب اندام بخرید و با شدت بیشتری ورزش کنید.

کلید سلامت عالی جسمانی و عمر طولانی این است که هدف‌های روشن و مشخصی برای سطح سلامتی و تناسب اندام‌تان تعیین کنید. باید برنامه‌ریزی کنید و هر روز به برنامه‌تان عمل کنید. این امر نیاز به تسلط بر خود، کنترل شخصی و انضباط شخصی فراوان دارد، اما نتیجه‌اش می‌تواند فوق‌العاده باشد.

اگر هدف مالی‌تان این است که بیش از یک میلیون دلار دارایی داشته باشید، باید هدف سلامتی‌تان هم این باشد که هر اندازه ممکن است، بیشتر عمر کنید تا بتوانید با پول‌تان از یک زندگی عالی لذت ببرید.

۱۹

مصمم و فعال باشید

یکی از نشانه‌های میلیونرهای خود ساخته این است که به دقت فکر می‌کنند و سپس به سرعت تصمیم می‌گیرند. خودشان را اهل عمل تربیت می‌کنند و تصمیم‌هایی را که گرفته‌اند، عملی می‌کنند. سریع اقدام می‌کنند و به سرعت نتیجهٔ کارهای‌شان را ارزیابی می‌کنند. اگر بفهمند که اشتباه کرده‌اند، به سرعت خودشان را اصلاح و کار دیگری را امتحان می‌کنند.

کلید پیروزی شما، «تلاش» است. افراد موفق، مصمم هستند و چیزهای بسیار بیشتری را در مقایسه با یک فرد معمولی امتحان می‌کنند. براساس قانون احتمالات و قانون میانگین‌ها، اگر برای

موفقیت، راه‌های بیشتری را امتحان کنید، این احتمال وجود دارد که در زمان مناسب، راه مناسب خود را پیدا کنید.

از سوی دیگر، افراد ناموفق، مردد هستند. می‌دانند که باید بعضی کارها را انجام دهند یا ترک کنند، اما عزم و ارادهٔ لازم را ندارند که تصمیم قطعی بگیرند؛ در نتیجه، با جریان زندگی به این سو و آن سو می‌روند و هیچ‌گاه به خوشبختی، کامیابی و موفقیت خاصی نمی‌رسند. آن‌ها هرگز ثروتمند نمی‌شوند و به استقلال مالی نمی‌رسند و سرانجام به چیزی بسیار کم‌تر از آن‌چه برای‌شان ممکن بوده، راضی می‌شوند، اما وقتی مصمم و اهل عمل باشید، همهٔ زندگی‌تان روی غلتک می‌افتد؛ هر روز کارهای بسیار بیشتری از یک فرد معمولی انجام می‌دهید و خیلی سریع‌تر از اطرافیان‌تان پیشرفت می‌کنید. در واقع به یک منبع عالی از انرژی، اشتیاق و انگیزه دست می‌یابید که شما را سرشار از نشاط و حرکت می‌کند. این انرژی، شما را با سرعت بیشتری به سمت اهداف‌تان پرتاب می‌کند.

این سؤال را از خودتان بپرسید: «کدام کار است که اگر بلافاصله انجامش دهم، می‌تواند بزرگ‌ترین تأثیر مثبت را بر نتیجهٔ فعالیت‌هایم بگذارد»؟ پاسخ‌تان به این سؤال، در هر زمان و هر چه که هست، بلافاصله انجامش دهید.

۲۰

هرگز احتمال شکست را در نظر نگیرید

بزرگ‌ترین مانع موفقیت در بزرگسالان، ترس از شسکت است. توجه کنید که منظورم خود شکست نیست. شکست، شما را قوی‌تر، انعطاف‌پذیرتر و مصمم‌تر می‌کند، اما ترس از شکست یا منتظر شکست بودن، می‌تواند فلج‌تان کند و حتی شما را از امتحان کردن کارهایی که برای رسیدن به موفقیتی بزرگ ضروری است، باز دارد.

یک بار خبرنگار جوانی از توماس جی واتسون پدر، مؤسس آی بی ام، پرسید که چطور می‌تواند سریع‌تر به موفقیت بیشتری برسد.

واتسون با این کلمات پاسخ داد: «اگر می‌خواهی سریع‌تر به موفقیت برسی، باید میزان شکست‌هایت را دو برابر کنی. موفقیت،

آن سوی دیگر شکست است».

جرئت حرکت به جلو را داشته باشید. میلیونرهای خودساخته، قمارباز نیستند، اما همیشه مایلند در جهت اهداف‌شان، مخاطره‌های حساب شده کنند تا به پاداش‌های بزرگ‌تری برسند. در واقع نگرش شما در مورد مخاطره کردن، احتمالاً مهم‌ترین شاخص آمادگی شما برای ثروتمند شدن است.

هرگاه با یک موقعیت مخاطره‌آمیز مواجه شدید، این سؤال را از خودتان بپرسید: «اگر این کار را انجام دهم، بدترین اتفاقی که ممکن است بیفتد چیست؟»؛ سپس باید کاری را بکنید که جی. پُل گِتی میلیاردر صنعت نفت پیشنهاد داده است: «باید مطمئن شوید این اتفاق بد، هرچه که هست، پیش نخواهد آمد».

واقعیت این است که همه از شکست می‌ترسند. همه از ضرر مالی و فقر می‌ترسند. همه از اشتباه کردن و پسرفت می‌ترسند، اما میلیونرهای خودساخته، افرادی هستند که آگاهانه و عمداً با این ترس‌ها روبرو می‌شوند و به هر حال، دست به کار می‌شوند.

رالف والدو امرسون در جایی نوشته: «در تمام عمر، عادت کنید کارهایی را انجام دهید که از انجام آن می‌ترسید. اگر کاری را که می‌ترسید انجام دهید، مرگِ ترس، حتمی است».

وقتی جسورانه عمل می‌کنید، نیروهای غیبی به کمک‌تان می‌آیند و هر عمل شجاعانه‌ای، باعث افزایش شجاعت و توانایی‌تان برای آینده می‌شود. هرگاه کاری را در جهت پیشرفت انجام می‌دهید اما هیچ تضمینی برای موفقیت در آن کار وجود ندارد، ترس‌های‌تان کاهش و جرئت و اعتماد به نفس‌تان افزایش می‌یابد.

سرانجام به جایی می‌رسید که دیگر از هیچ چیز نمی‌ترسید. به جایی می‌رسید که هیچ چیز نمی‌تواند شما را متوقف کند.

شاید بهترین جملهٔ فیلم «آپولو ۱۳» آن باشد که یوجین کِرَنتز (مدیر بخش فضا در ناسا که نقش او را اِدهریس بازی کرده) گفت. وقتی همه کم‌کم داشتند فکر می‌کردند که از دست دادن سفینه و فضانوردان حتمی است، او با صدای بلند گفت: «شکست، جزء گزینه‌های ما نیست.» و با این جمله، همه را به خود آورد.

وظیفهٔ شما این است که متعهد شوید به یک میلیونر خودساخته تبدیل شوید. وظیفه‌تان این است که برای خودتان هدف‌های مشخصی تعیین کنید، آن‌ها را یادداشت کنید و هر روز روی آن‌ها کار کنید. به ویژه در برابر همهٔ مشکل‌ها و سختی‌ها، پیوسته باید به خودتان یادآوری کنید که «شکست، جزء گزینه‌های من نیست». این طرز فکر بیش از هر چیز دیگری، موفقیت بلند مدت‌تان را تضمین خواهد کرد. میلیونر شدن‌تان را هم تضمین می‌کند.

۲۱

همهٔ کارهای‌تان را با دو ویژگی سرسختی و اراده، پشتیبانی کنید

سرسختی، یک ویژگی مهم برای شخصیت است. سرسختی برای شخصیت، همان اثری را دارد که کربن برای فولاد دارد. سرسختی خصلتی حیاتی است که لازمهٔ تمامی موفقیت‌های بزرگ در زندگی است.

یکی از رازهای بزرگ سرسختی و موفقیت این است: باید خیلی پیش از آن‌که در جست و جوی موفقیت با شکست‌ها و ناامیدی‌ها مواجه شوید، ضمیر ناخودآگاه خود را برای استقامت برنامه‌ریزی کنید. پیشاپیش، مصمم شوید که هر اتفاقی هم بیفتد، هرگز تسلیم

نشوید. هنگامی که ناگهان در مقابل یک مشکل یا دشواری زانو می‌زنید، دیگر فرصتی ندارید تا سرسختی و ارادهٔ لازم را در خودتان ایجاد کنید، اما اگر از قبل، برای پستی و بلندی‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی برنامه‌ریزی کرده باشید، وقتی با آن‌ها مواجه شوید، از نظر روحی آمادگی خواهید داشت. شما از هر نظر آماده خواهید بود.

جرئت ایستادگی در برابر مشقت و ناامیدی، خصلتی است که بیش از هر چیز دیگری موفقیت‌تان را تضمین می‌کند. این‌که بتوانید بیش از دیگران دوام بیاورید، می‌تواند بزرگ‌ترین سرمایهٔ شخصی‌تان باشد. در واقع سرسختی و استقامت شما، معیار دقیقی از ایمانی است که به خودتان و توانایی‌تان برای موفقیت دارید.

به یاد داشته باشید که همهٔ زندگی، یک امتحان است. برای رسیدن به موفقیت‌های بزرگ باید در «امتحان استقامت» قبول شوید. این امتحان به صورت ناگهانی گرفته می‌شود. می‌تواند هر زمانی از شما گرفته شود و بیشتر اوقات، کاملاً غیر منتظره است و مهلت هیچ‌گونه تفکر و آماده‌سازی را نمی‌دهد. وقتی با یک مشکل، ناامیدی، مانع، شکست یا بحران غیر منتظره‌ای در زندگی‌تان روبرو می‌شوید، امتحان استقامت می‌دهید. این‌جاست که به خود و همهٔ اطرافیان‌تان نشان می‌دهید که چه قدرتی دارید!

اپیکتیتوس، فیلسوف رومی، در جایی چنین نوشته است: «شرایط، انسان را نمی‌سازد، بلکه ذات او را برایش (و می‌توان گفت برای دیگران) آشکار می‌سازد».

وقوع بحران‌های مکرر در زندگی اجتناب‌ناپذیر است. اگر زندگی پرمشغله‌ای داشته باشید، هر دو یا سه ماه یک‌بار، به یک بحران

برخورد خواهید کرد. در فاصله زمانی بین این بحران‌های اجتناب‌ناپذیر هم، یک سلسله گرفتاری‌ها و مشکلات پی در پی خواهید داشت. هر چه به کارهای بیشتری مشغول شوید، هر چه هدف‌های‌تان بزرگ‌تر باشد و هر چه بیشتر مصمم بشوید که یک میلیونر خودساخته شوید، مشکل‌ها و بحران‌های بیشتری را تجربه خواهید کرد.

تنها چیزی که در اختیار دارید، واکنش شما به مشکل‌ها و مانع‌ها است. مایهٔ امیدواری است که هر بار که به شکلی مثبت و سازنده واکنش نشان دهید، قوی‌تر و بهتر می‌شوید و توانایی‌تان برای رویارویی با مشکل یا بحران بعدی بیشتر می‌شود. در نهایت در زندگی به جایی می‌رسید که هیچ‌چیز نمی‌تواند شما را متوقف سازد. مثل نیروهای طبیعت و مقاومت‌ناپذیر می‌شوید. از آن کسانی می‌شوید که هر مشکلی هم که پیش بیاید، هرگز تسلیم نمی‌شوند. هر مانعی هم که سر راه‌تان قرار گیرد، راهی پیدا می‌کنید که از رو، زیر، میان یا دور آن رد شوید. مثل آن خرگوش در تبلیغ‌های تلویزیونی باتری انرجایزر می‌شوید و همیشه پیش می‌روید و پیش می‌روید و پیش می‌روید.

حرف آخر

اجازه دهید مهم‌ترین پیام این کتـاب را بـرای‌تـان تکـرار کـنم: **«موفقیت، قابل پیش‌بینی است».**

موفقیت نه به شانس بستگی دارد، نه به تصادف و نه به این‌کـه در زمان مناسب، در جای مناسب باشید، موفقیت هـم دقیقـاً ماننـد طلوع آفتاب از شرق و غروب آن در غرب قابل پیش‌بینی اسـت. بـا به کارگیری اصولی که یاد گرفته‌اید، در صف زنـدگی جلـو خواهیـد رفت. نسبت به کسانی که این راه‌حل‌ها و روش‌ها را نمی‌دانند یا به کار نمی‌گیرند، امتیازی باور نکردنی خواهید داشت. امتیازی خواهید داشت که همواره در زندگی و شغل‌تان شما را بـه پیـروزی خواهـد رساند.

اگر شما هم پیوسته و با سرسختی، کارهایی را انجام دهیـد کـه سایر افراد موفق کرده‌اند، هیچ چیز در دنیا نیـست کـه بتوانـد مـانع

رسیدن شما به موفقیتی بزرگ شود. شما معمار سرنوشت خود و حاکم بر تقدیرتان هستید.

سکان کشتی زندگی‌تان در دست خودتان است. برای کارهایی که می‌توانید انجام دهید، چیزهایی که می‌توانید داشته باشید و شخصیتی که می‌توانید به آن تبدیل شوید، هیچ محدودیتی وجود ندارد، به جز محدودیتی که خود شما با افکارتان برای خودتان تعیین می‌کنید.

یادتان باشد که شما با همهٔ کسانی که می‌شناسید، برابر و حتی از آن‌ها بهتر هستید. شما انسان برجسته‌ای هستید. استعدادها و توانایی‌های‌تان بیش از آن است که تاکنون شناخته یا به کار گرفته‌اید. درون‌تان این توانایی را دارید که در زندگی‌تان به چیزهای عالی دست پیدا کنید. مسئولیت بزرگ شما این است که رؤیاهای بزرگی داشته باشید. تصمیم بگیرید دقیقاً چه می‌خواهید و برای رسیدن به آن برنامه‌ریزی کنید. راه‌حل‌هایی را که در این کتاب آموزش داده شد، به کار بگیرید. هر روز در جهت رؤیاها و هدف‌های‌تان اقدام کنید و مصمم شوید که هرگز هرگز تسلیم نشوید. وقتی این کارها را انجام دهید، خودتان را در مسیر درست قرار داده‌اید. هیچ چیز نمی‌تواند شما را متوقف سازد و موفقیت‌تان حتمی است.

در پایان

در کشور ما استقبال از کتاب‌هایی که با عنوان «روانشناسی» شناخته می‌شوند، بسیار خوب است؛ معمولاً این کتاب‌ها را روانشناسان بزرگ جهان می‌نویسند. «برایان تریسی» یکی از این افراد است که کتاب‌های او مرزهای کشورها و قاره‌ها را پشت سر گذاشته است.

کافی است شما به آنچه «برایان تریسی» می‌گوید خوب گوش کنید، با تمام توان به آن عمل کنید و به نتیجه‌بخش بودن آن معتقد باشید تا ببینید آن گونه هستید که «برایان تریسی» می‌خواهد.

آری، دقت کنید «آن گونه می‌شوید که برایان تریسی می‌خواهد»! اما چگونه؟ او توسط واژه‌هایی زیبا و اثرگذار، دارویی از جنس تفکر و بینش را در نسخه‌هایی کاغذی که هم‌اکنون در دستان شماست، پیچیده است. شما با شگفتی الفاظ را می‌خوانید، با تمام وجود معانی را می‌پذیرید، در زندگی خود به کار می‌گیرید و به نتیجهٔ دانش باور دارید.

خواندن، پذیرفتن، عمل کردن و باور داشتن، چهار واژه‌ای که

شما را به مقصد می‌رساند.

با خودم فکر کردم که چه هزینهٔ سنگینی در برابر نسخه‌ها باید بپردازم. آنچه را که می‌گوید بپذیرم و به آن عمل کنم و باور داشته باشم! بعد از کمی تأمل دوباره به این نتیجه رسیدم که درست است، «آن گونه می‌شوم که برایان تریسی می‌خواهد».

«برایان تریسی» بسیار نکته‌سنج است و عِلمش را با تحقیق و تجربه به دست آورده. چیزهایی را می‌بیند که من هم می‌بینم، ولی نتیجه‌ای می‌گیرد که من نمی‌توانم. البته نمی‌توان گفت که بهترین است، اما از بهترین‌هاست و نکتهٔ جالب اینجاست که رازهای موفقیتش را به همه می‌گوید و بخل نمی‌ورزد.

اما آیا کسی نیست که بخشندگی، عمل و تجربه‌اش از «تریسی» بیشتر باشد که این هزینه را به او بپردازم؟

نمی‌دانم شما چقدر تحقیق کرده‌اید، ولی من هر کلام صحیحی را که از روانشناسان بزرگ شنیدم، پیگیری کردم و دیدم آیه یا حدیثی بر همان معنا وجود دارد؛ البته کتاب، تحقیق یا مقاله‌ای که این ادعا را اثبات کند در بازار کتاب نایاب نیست. دنیای ما بر اساس قوانین خاصی شکل گرفته است که افرادی مثل «برایان تریسی» با عقل و دقت و سال‌ها تجربه به برخی از آن‌ها دست یافته‌اند و تا زمانی که بر اساس این قوانین سخن می‌گویند، کلامشان کاملاً صحیح است، ولی همیشه این گونه نیست. بیاییم به هزینه‌ها و نتیجه‌ها کمی دقت کنیم.

با آروزی سلامتی

تصویر ابو عبدالرحمن الكردي

در این کتاب می‌خوانیم:
شاید فکرش را هم نکنید که شما هم می‌توانید روزی به تمام آرزوهایتان برسید و به همه رؤیاهایتان جامه عمل بپوشانید. برای این کار باید اسرار آن را بیاموزید.



بیست و یک راز موفقیت میلیونرهای خود ساخته

21

مرکز پخش کتاب باران
۰۹۱۹۱۹۷۷۷۴۸

ویژوال ویژن